

سنجش عوامل تأثیرگذار جرائم در فضای کالبدی شهر ارومیه

حیدر لطفی*

دانشیار گروه جغرافیا، دانشگاه آزاد اسلامی

پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۲۳ دریافت: ۱۳۹۸/۰۱/۲۷

Assessing the Effective factors of Crimes in the Physical Space of Urmia City

Haidar Lotfi*

Associate Professor, Department of Geography, Islamic Azad University

(Received: 15/Apr/2019

Accepted: 11/Feb/2020)

Abstract

The layout of the physical space of the city has a great impact on the living locations of citizens. Some factors such as the deep gap between traditional and modern contexts, forgetting and marginalizing a part of the city in the process of development, unplanned development, and the migration crisis have caused the current physical quality to not meet the needs of residents and provide the ground for the occurrence of many crimes in the city. The city of Urmia is an example in this regard. The purpose of this study is to identify the factors affecting the occurrence of conflict crime in Urmia. The present research is applied in terms of purpose and descriptive-analytical in terms of research method. Data collection has been done in three ways: research, documentary and fieldwork. Geographic Information System (GIS), SPSS and Expert Choice software were used to analyze the collected data. The results indicate that from the perspective of the components of the environmental-physical analysis model of crime (including the principle of strengthening natural surveillance with 4 measures, the principle of access control with 3 measures, the principle of strengthening natural territories with 5 measures, the principle of environmental protection with one measure and the principle of supporting healthy social activities with two measures), the city of Urmia has many potential points for crime. In general, according to the criteria of the environmental physical analysis approach, most of these potential points for crime are located on the outskirts of Urmia.

Keywords: Urban Crimes, Security, Urmia City, Urban Environment and Body.

چکیده

چینش فضای کالبدی شهر بر مکان زندگی شهروندان تأثیر فراوانی دارد. عواملی نظیر شکاف عمیق میان بافت‌های سنتی و مدرن، فراموش کردن و به حاشیه راندن بخشی از شهر در روند توسعه، بی‌برنامگی، توسعه بی‌رویه، و بحران مهاجرت موجب شده کیفیت کالبدی کنونی، نیازهای ساکنان را برآورده نکند و زمینه را برای وقوع بسیاری از جرائم در شهر فراهم کند. شهر ارومیه هم یک مثال در این زمینه است. از این رو، هدف این پژوهش شناسایی عوامل مؤثر بر وقوع جرم درگیری در شهر ارومیه است، پژوهش حاضر از لحاظ هدف، کاربردی و از نظر شیوه انجام تحقیق، توصیفی - تحلیلی می‌باشد و گردآوری داده‌ها پژوهشی، اسنادی و میدانی است. برای تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده، از سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS) و نرم‌افزارهای SPSS و Expert Choice کمک گرفته شد. نتایج حاصل از سنجش ارتباط متغیرها بیانگر این است که از منظر مؤلفه‌های مدل تحلیل محیطی-کالبدی جرم (شامل اصل تقویت نظارت طبیعی با ۴ سنجه، اصل قابلیت کنترل دسترسی‌ها با ۳ سنجه، اصل تقویت قلمروهای طبیعی با ۵ سنجه، اصل حفظ و نگهداری از محیط با یک سنجه و اصل حمایت از فعالیت‌های اجتماعی سالم با ۲ سنجه)، شهر ارومیه دارای نقاط بالقوه بسیاری برای وقوع جرم است. در مجموع، بر اساس سنجه‌های رهیافت تحلیل کالبدی-محیطی جرم بیشتر این نقاط بالقوه برای وقوع جرم در حاشیه شهر ارومیه قرار دارند.

واژه‌های کلیدی: جرایم شهری، امنیت، ارومیه، کالبد و محیط شهر.

مقدمه

امنیت در زمره مهم‌ترین نیازهای بشر به شمار می‌آید، به‌گونه‌ای که مقدم و زمینه‌ساز بسیاری از نیازهای اساسی دیگر انسان مانند رشد شخصیت، ارتقاء رفاه و سلامت مردم شناخته شده است. انسان‌ها در طول تاریخ حیات اجتماعی خویش بر اساس زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی و تحت تأثیر شرایط اقتصادی، سیاسی و ارزش‌های حاکم بر جامعه، تنوعاتی از رویارویی‌ها و تقابلات مثبت و منفی فردی، گروهی و بین‌گروهی را تجربه کرده‌اند و می‌کنند که گاه در تضاد، ستیزه و نزاع با همدیگر به سر برده و گاه در صلح، آرامش و نوع‌دوستی بوده‌اند. آنچه که مسئله‌آفرین است، وجود تضادها و رویارویی‌های خشونت‌آمیز در بین افراد و گروه‌ها می‌باشد. یکی از مهم‌ترین عوامل تهدیدکننده مردم، مورد تعرض رفتارهای غیر مدنی، خشونت و درگیری قرار گرفتن است (مدیری، ۱۳۸۵: ۱۲). نزاع و درگیری که پیامدی جز ضرب و جرح ندارد، یک آسیب اجتماعی است که مانند سایر آسیب‌ها، حیات انسان را در معرض تهدید قرار می‌دهد. نزاع و درگیری حاصل ترویج و انباشت پرخاشگری و خشونت در جامعه است و این واقعیت غیرقابل انکار در ساحت‌های مختلف اجتماع خود را نمایان می‌کند. افزایش تضادها و رویارویی‌های خشونت‌آمیز در بین افراد جامعه، علاوه بر برهم خوردن نظم اجتماعی و فرسایش سرمایه اجتماعی، دارای آثار و تبعات منفی فراوان در حوزه‌های فردی، خانوادگی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی می‌باشد (رضوی‌الهاشم و دیگران، ۱۳۹۴: ۳). خشونت در ادبیات علوم اجتماعی و حقوقی معانی متفاوتی دارد، از دیدگاه کاپلان و سادوک، عوامل اجتماعی (ناکامی، تحریک مستقیم از طرف دیگران، مواجه شدن با مدل‌های پرخاشگر)؛ عوامل محیطی (تأثیر آلودگی هوا، گرما، سر و صدا، ازدحام)؛ عوامل موقعیتی (بالا بودن سطح تحریک فیزیولوژیک، تحریک جنسی، درد)؛ عوامل ژنتیکی (نقش سندرم، مکانیسم‌های دفاعی، هورمون‌ها) عوامل مؤثر در بروز پرخاشگری و خشونت هستند. پرخاشگری مانند هر پاسخ دیگر می‌تواند از طریق تقلید آموخته شود؛ آلودگی محیطی، ممکن است برافروختگی افراد و در نتیجه پرخاشگری آن‌ها را افزایش دهد. همچنین وقتی

افراد تحت شرایط گرمای طاقت‌فرسای بیش از اندازه قرار می‌گیرند، احساس ناراحتی کرده و در مقابل دیگران، واکنش منفی نشان می‌دهند؛ افرادی که در محیطی با سر و صدای بلند به سر می‌برند، شدیدتر از بقیه حمله می‌کنند و این آمادگی را دارند که در مقابل کوچک‌ترین عکس‌العمل از جانب دیگران، بیشترین پرخاشگری را از خود نشان دهند؛ شلوغی ممکن است احتمال فوران پرخاشگری را افزایش دهد؛ افزایش سطح برانگیختگی به هر دلیل (شرکت در فعالیت‌های رقابتی، ورزش شدید، دیدن فیلم‌های مهیج) پرخاشگری را افزایش می‌دهد؛ تماشای صحنه‌های وقیح پرخاشگری را تشدید می‌کند؛ درد جسمی ممکن است محرک پرخاشگری یا انگیزه صدمه و یا آسیب رساندن به دیگران را بیدار کند؛ قسمت‌هایی از مغز کنترل پرخاشگری را بر عهده دارد، ولی این مکانیسم‌ها در انسان تحت کنترل قوه شناختی او قرار می‌گیرند. همچنین یادگیری‌ها به همراه تجربیات قبلی و تأثیرات اجتماعی (علاوه بر قوه شناختی) ایفای نقش می‌کنند (Kaplan, 2007: 104). عوامل مؤثر بر وقوع جرم بسیار متنوع و متعدّدند؛ به گونه‌ای که دسته‌بندی دیگر عوامل مؤثر بر وقوع جرم عبارت‌اند از: الف- عوامل درونی: که شامل عوامل فردی (بیولوژیک)، جنس، سن، اندام، عدم تقارن جسمی، وضع مزاج، ضعف یا قدرت بدنی، سوابق بیماری، عوامل ارثی و ژنتیک و عوامل روانی چون ترس، بدبینی، خودپسندی، قدرت‌طلبی، جنون، عقده‌ها، بیماری‌های عصبی و روانی و... می‌باشد. ب- عوامل بیرونی: شامل ویژگی‌های محیط طبیعی، وضع آب و هوا، فصول، شب و روز، درجه حرارت، رطوبت و باد و نظایر آن، ویژگی‌های محیط اجتماعی (انسانی)، شهر، روستا، محله، کوچه، مسکن، خانواده، دوستان، معاشران، نوع شغل، مهاجرت و پیشه فرهنگی. یکی از شاخص‌های مؤثر در شکل‌گیری احساس امنیت، شکل و فرم محیط کالبدی سکونتگاه است (عنابستانی و جوانشیری، ۱۳۹۶: ۳۷). در خصوص درگیری و نزاع، نظریه‌های متعددی وجود دارد اما نقش عوامل محیط کالبدی شهر و به‌ویژه ساختار شهری در وقوع جرم مؤثر کمتر مورد توجه قرار گرفته است. در جدول ۱ مهم‌ترین این نظریه‌ها به صورت خلاصه ارائه شده‌اند.

جدول ۱. نظریه‌های درگیری و نزاع

نظریه	شرح نظریه
زیست‌شناختی	وجود عوامل زیست‌شناسانه معینی احتمال درگیری فرد را در رفتارهای مجرمانه فزونی می‌بخشد؛ یعنی مجرمان در مقایسه با مردم عادی، ویژگی‌های ظاهری خاصی (از قبیل اندازه سر) از خود نشان می‌دهند.
روانشناختی	نظریات روان‌شناسانه و روان‌پزشکی، شخصیت مجرم را در تبیین‌هایشان از رفتار مجرمانه می‌گنجاند (به عنوان مثال، غریزی یا ذاتی بودن پرخاشگری).
بوم‌شناسی جنایی	تأثیر زیست‌گاه (محل زیست) فرد در رفتار مجرمانه فرد. در واقع دیدگاه اکولوژی بر محیط و فضایی که مجرم در آن مرتکب جرم می‌شود تأکید دارد و شرایط محیطی چون نوع کاربری اراضی و شکل و سیمای شهر را در بروز جرائم بسیار مؤثر می‌داند (AbdollahieHagi, 2004: 37).
آنومی دورکیم	دورکیم علل اعمال مجرمانه را در محیط می‌بیند. وی باور داشت که زندگی بدون وجود الزام‌های اخلاقی یا ضرورت‌های اجتماعی تحمل‌ناپذیر می‌شود و در نهایت نیز به شکل‌گیری پدیده آنومی یعنی نوعی احساس ناهنجاری می‌انجامد که اغلب مقدمه‌ای برای بروز کج‌روی و درگیری و نزاع است (Hosienzadeh et al., 2011: 35).
امنیت محل سکونت	از یک سو محیط اجتماعی با میزان جرائم در ارتباط است و از سوی دیگر میزان جرم رابطه مستقیمی با احساس ناامنی دارد. محل زندگی یا محل سکونت در بروز جرم یا امنیت دخیل است (ساروخانی و نویدنیا، ۱۳۸۵: ۹۰).
فشار مرتن	جامعه طوری ساخت یافته که طبقات فرودست، فرصت‌های کمتری برای تحقق آرزوهای خود دارند. در نتیجه چون این اهداف به آرمان‌های اصلی زندگی همه افراد فقیر و غنی تبدیل شده آن کسی هم که دسترسی به ابزار مشروع ندارد، تحت فشار جامعه برای دستیابی به آن‌ها از ابزار نامشروع استفاده می‌کند (صدیق سروستانی، ۱۳۸۸: ۴۴).
محرومیت نسبی	نابرابری، هم تولید فشار می‌نماید و هم سبب افزایش جرم و ناامنی می‌گردد. بر اساس نظریه پیش‌شرط لازم برای درگیری و خشونت مدنی، محرومیت نسبی به معنای وجود فاصله میان انتظارات ارزشی یا کالاهای امکانات و خدماتی که مردم در زندگی به صورت توجیه‌پذیری خود را مستحق آن دانسته اما از آن محروم هستند.
برچسب‌زنی	شخصی که مرتکب جرم می‌گردد از طرف اجتماع به‌عنوان بزه‌کار برچسب می‌خورد؛ که باعث می‌شود جامعه با فرد به طریقی رفتار کند که سزاوار یک انسان مجرم یا بزه‌کار می‌باشد. برچسب مجرم بودن بخشی از خودپنداره او می‌گردد و در نتیجه این مسئله بر رفتارهای آتی او اثر می‌گذارد (Poot Wine and Samonse, 2002: 85).
عادت‌واره	عاملین اجتماعی تحت تأثیر تجربیات گذشته دارای عادت‌واره‌هایی هستند که به نظام‌های بینش سلیقه و قضاوت مربوط می‌شود و آن‌ها را قادر به انجام اعمال روزانه تحت تأثیر دانش عملی می‌سازد.
تعامل-گرایی	تعامل‌گرایان به تعامل میان فرد و جامعه در فراگرد رفتار اشاره کرده‌اند و بر این باورند که فرد و جامعه در کنش‌های متقابل در جریان رفتار دخیل می‌باشند (Mohseni, 2011: 326).
کنترل اجتماعی	ناهنجاری ناشی از گسستگی تعلق فرد به جامعه است که در اثر کنترل و نظارت اجتماعی و خانواده به وجود می‌آید؛ یعنی هنگامی که کنترل اجتماعی ضعیف باشد، رفتار کج‌روانه ظاهر می‌گردد (کاربخش‌دآوری و دیگران، ۱۳۸۲: ۶۹).
پارسونز	کمبود منابع و ارزش‌ها موجب رقابت می‌گردد و از این رقابت، منازعه بر می‌خیزد (بشیریه، ۱۳۷۴: ۷۹).
پیوند افتراقی	فرایند یادگیری کج رفتاری از طریق تعامل با کج‌رفتاران و هم‌نوایان، است (صدیق سروستانی، ۱۳۸۸: ۴۸).
فری	محیط خانوادگی و اجتماعی (نوع شغل، محل سکونت، عادات و رسوم هر یک از طبقات اجتماعی) و عامل اقتصادی (بیکاری، فقر و تنگدستی) از عوامل ارتکاب جرم هستند (Mazloman, 1977: 67).
آزوبل	پیشگویی می‌کند که کودک طرد شده در خانواده‌ها به علت ارزش و احترام کمی که در خانواده برای او قائلند برانگیخته می‌شود و به دنبال پایگاه اجتماع برای خود، وارد گروه‌های انحرافی می‌شود.
زیمل	با افزایش تراکم جمعیت، احساس تنهایی و گمنامی افراد بیشتر شده و احساس اثربخشی آن‌ها تهدید می‌شود که تنها از طریق پیوستن به گروه‌های محلی و ... است که افراد می‌توانند در جامعه ابراز وجود کنند.
پایگاه اجتماعی و اقتصادی	هر چه امکان دستیابی به امکانات و خدمات مختلف آموزشی، بهداشتی، رفاهی و ... کاهش یابد، احساس تعلق افراد جامعه با احساس رضایت از زندگی در جامعه توأم نمی‌شود و به تدریج همبستگی نیز نقصان می‌یابد و افراد به همان میزان احساس امنیت نخواهند کرد و نهایتاً احتمال وقوع جرم از طرف آنان بیشتر خواهد شد.
یادگیری اجتماعی	بر اساس تئوری یادگیری اجتماعی باندورا، رفتارهای ناهنجار، مثلاً گرایش به درگیری و نزاع، زاینده مشاهده و یادگیری اجتماعی هستند که از آن به‌عنوان تجربه عینی یاد می‌شود (Mohseni, 2011: 132).

قوم‌گرایی یا تعصب قومی، باعث ایجاد گسست در جهان اجتماعی و پراکندن تخم نفاق در جامعه می‌شود، طبق نظر هرزوغ، قوم‌گرایی خود باعث ایجاد بسیاری از جرم‌هاست.	قوم‌گرایی
هوش فرهنگی، مهارت‌های رفتاری است که افراد دارند و می‌توانند به شکل مناسبی، رفتارهای کلامی و غیر کلامی خود را در موقعیت‌های جدید فرهنگی بروز دهند. هوش فرهنگی پایین باعث می‌شود، رفتار افراد با یکدیگر آسیب‌پذیرتر بوده و تنش و نزاع در آن نیز بیشتر خواهد بود.	هوش فرهنگی
افراد نزاع و درگیری را به عنوان یک رفتار نابهنجار در خانواده‌هایی که توأم با خشونت است می‌آموزند و یاد می‌گیرند که ستیزه‌جویی کنند، یعنی پدیده نزاع در محیط خانواده آموخته می‌شود (Hosseinzadeh et al, 2011: 200-201).	فضای عاطفی خانواده
– نیاز به خیابان امن در شهر و جداسازی مکان‌های عمومی و خصوصی – تنوع کاربری و اختلاط آن‌ها در سطح شهر – استفاده مؤثر و بازدارنده از حضور عابران پیاده در مناطق شهری برای کاهش احتمال وقوع جرائم	دهه ۱۹۶۰ جین جیکوبز در کتاب مرگ و زندگی شهرهای آمریکایی
– کاهش پتانسیل طبیعی جرم‌خیزی مناطق شهری و عمومی – شفافیت و در معرض دید قرار گرفتن فضای عمومی	دهه ۱۹۷۰ رای جفری در کتاب جلوگیری از جرائم شهری با طراحی محیطی و اسکار نیومن در کتاب فضاها قابل دفاع
– ارائه تئوری پنجره‌های شکسته – کاهش پتانسیل‌های جرم‌خیزی مناطق شهری – اشاره به نابسامانی‌های طراحی محیط مصنوع	دهه ۱۹۸۰ جرج کیلینگ و ویلسون و پل براتینگهام در کتاب جرم‌شناسی شهری
– ارائه استراتژی و روشمندی این رویکرد – برگزاری سری کنفرانس‌ها و همایش‌های بین‌المللی	دهه ۱۹۹۰ و ۲۰۰۰ تیم کرو و مسئول برنامه‌های آموزشی جهانی CPTED در کتاب جلوگیری از جرائم از طریق طراحی محیطی

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹

رویکردهای فردگرایانه جای خود را به رویکردهای جمع‌گرایانه دادند. این رویکردها که به رویکردهای جامعه‌شناختی معروف‌اند وارد صحنه شده و به تبیین و تشریح علل رفتارهای انحراف پرداختند. از نظر این رویکرد، رفتار انحرافی نه در قالب عمل فردی بلکه امری اجتماعی بوده که ریشه در عوامل محیطی و اجتماعی دارد. در این تحقیق سعی شده از تمام نظریه‌های مربوط به جرم درگیری استفاده شود. در این راستا، مدل مفهومی تحقیق به شکل زیر می‌باشد که در واقع متغیرهای تحقیق را شامل می‌شود (شکل ۱).

در طول تاریخ توجه به مسئله احساس امنیت به عنوان یکی از عوامل مهم در پویایی و سلامت محیط زندگی، در فرآیند برنامه‌ریزی، طراحی و مدیریت سکونتگاه‌ها ضروری است (محمدی‌یگانه و دیگران، ۱۳۹۶: ۸۱). از لحاظ تاریخی، اولین رویکردهای تبیینی که در زمینه رفتارهای انحرافی ارائه شده است مربوط به دیدگاه زیست‌شناختی می‌باشد. به گونه‌ای که این باور که مجرمان و به طور کلی مردمان شرور، نمود جسمانی غیرمعمولی دارند، به زمان‌های کهن بر می‌گردد. بعد از آنکه رویکردهای فردگرایانه (زیست‌شناختی و روان‌شناختی) توانستند علل رفتارهای انحرافی و بروز جرم را تبیین کنند،

اصول	سنجدها
ایجاد دسترسی و جابجایی مناسب	■ رعایت نظام سلسله‌مراتبی فضا به‌وسیله جداسازی کاربران فضاهای عمومی به گروه‌های مختلف مانند پیاده و سواره و یا محدودسازی هر کدام به‌وسیله شبکه راه‌های جدا از هم ■ قراردادن خیابان‌ها و شریان‌های اصلی در مناطق مسکونی و در نظر گرفتن شریان‌های کمتر و خیابان‌های محدودتر، برای محدودسازی دسترسی افراد غریبه ■ استفاده از نرده و محدودیت‌های سمبولیک و یا محدودیت‌های واقعی ■ پرهیز از به‌وجود آمدن گوشه‌های کم‌تردد، کم‌نور و فاقد نظارت اجتماعی ■ نورپردازی مطلوب و کافی دروازه‌ها، ورودی‌ها و نوع سیستم دسترسی
افزایش نظارت بر فضا	■ تأمین نمودن قابلیت دید از خیابان به همه ورودی‌ها و دیگر فضاهای عمومی ■ طراحی منظر هماهنگ برای بهبود دید بصری محیط و امکان نظارت بیشتر ■ امکان‌دهی به حضور انسان با ایجاد تسهیلات خدماتی، برای افزایش نظارت عمومی ■ جای‌دهی باجه‌های تلفن و روزنامه‌فروشی یا دکه‌های سیار در مناطق جرم‌خیز ■ مکان‌یابی مناسب محوطه پارکینگ به‌طوری‌که به‌راحتی قابل دید و تحت‌نظارت باشد ■ استفاده از دوربین‌های مداربسته و مکان‌یابی صحیح آن‌ها در مواقع ضروری ■ رعایت استانداردهای روشنایی فضا
افزایش حس مالکیت (تقویت قلمروهای طبیعی)	■ ایجاد تمایز واضح بین فضای عمومی، نیمه عمومی / نیمه خصوصی و خصوصی ■ استفاده از تکنیک‌های طراحی ■ اجازه دادن به همسایگان و ساکنین در جهت نمایش و بیان هویتشان ■ ایجاد فضای نیمه عمومی در مرکز بلوک‌های مسکونی، از قبیل پارک‌های همسایگی که به‌صورت گروهی به ساکنین مسکونی تعلق دارد ■ افزایش نظارت‌های طبیعی و گسترش حس مالکیت از طریق نهادهای اجتماعی
حمایت از فعالیت	■ جذب نمودن کاربری‌های ترکیبی و مختلط به‌طور مناسب ■ توسعه اقتصاد در جهت متنوع ساختن کاربری‌های مناسب عمومی در روز و شب ■ اصلاح برنامه‌ریزی فضایی از طریق استفاده کارآمد از فضای شهری ■ جایی‌دهی فعالیت‌های خدماتی و فضاهای عمومی در مناطقی که دید و نظارت عمومی کمتری وجود دارد ■ حذف کاربری‌های متعدد در یک مکان که در ساعات طولانی از شبانه روز غیرفعال هستند
خوانایی محیط / مدیریت و نگهداری	■ استفاده از تابلوها، علائم و نشانه‌های بصری از طریق هنر ارتباط تصویری ■ حذف نشانه‌ها و علامت‌های بی‌نظمی در فضا از جمله شیشه‌های شکسته ■ تعمیر و نگهداری تجهیزات شهری مانند تابلوها و علائم ارتباطی ■ تشویق افراد و ایجاد گروه‌های مشارکتی برای مدیریت و نگهداری بهتر ■ حفاظت از وندالیزم تجهیزات شهری مانند حفاظدار کردن چراغ‌های معابر
مستحکم‌سازی	■ بهبود کیفیت قفل‌ها، لولاها و درها و پنجره‌ها ■ استفاده کافی از نرده‌ها، علائم هشداردهنده (دوربین مداربسته) و شیشه پنجره‌ها

شکل ۱. مدل کالبدی و سنجدهای آن. مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹

در تحقیقات خود به این نتیجه رسیدند که درگیری‌های میان گروهی یا میان قبیله‌ای ممکن است با اهداف مختلفی انجام شود: برخی از این درگیری‌ها برای تحقیر، توهین و بی‌حرمتی به طرف مقابل، برخی برای افزایش شهرت و اعتبار طرف پیروز و گاهی برای به دست آوردن دوباره املاک صورت می‌گیرد. بومیستر و دیگران در سال ۱۹۹۶، در تحقیقی با عنوان رابطه غرور تهدید شده با خشونت و ستیزه‌جویی، به این نتیجه رسیدند که خشونت و ستیزه‌جویی عموماً زمانی که شخص آبرو، ناموس یا جاه و منزلت طرف درگیر را زیر سؤال می‌برد، شدت می‌یابد. رنگام و ویلسون در سال ۲۰۰۴، طی تحقیقاتی نتایج مطالعات خود را چنین بیان می‌کنند: در درگیری‌های

مشکلات اجتماعی جرم‌شناسی اولین بار توسط مرتن در اوایل قرن بیستم مطرح شد و به دنبال آن اکثر جامعه‌شناسان موضوعاتی تحت عنوان خشونت، تضاد، پرخاشگری و جنایت را مورد بررسی قرار دادند. در مطالعه دورکیم، اختلال، اغتشاش، گسستگی و بی‌هنجاری در نظام جمعی به عنوان عامل بروز انحراف و عدم همبستگی مطرح شده است. از آن زمان به بعد تحقیقات خوبی در این حیطه انجام شده است. به گونه‌ای که، میلر و همکاران در سال ۱۹۶۸ نیز با تحقیق و بررسی نقش فرهنگ طبقات پائین‌دست جامعه در ایجاد محیط بزهکاری، ریشه اغلب درگیری‌ها را در به خطر افتادن و تهدید آبرو و حیثیت گروه، دانسته‌اند. گلدشتاین و همکاران در سال ۱۹۹۴،

دسته جمعی، منافع شخصی یا گروهی برای منزلت، جایگاه، اعتبار اجتماعی، دفاع از همبستگی، انسجام و اتحاد گروهی و قومی-قبیله‌ای، فشارهای اقتصادی و شخصی، ساختار خانوادگی، سطح و میزان فقر و تهیدستی از جمله عوامل مؤثر به شمار می‌آیند و اغلب مردان حضور چشمگیرتری در این نزاع‌ها دارند، عواملی نظیر شیوع فزاینده جرائم و کجروی‌های اجتماعی و بی‌هنجاری‌های اجتماعی(آنومی) کاهش اقتدار پلیس و ضعف عملکرد پلیس موجب کاهش میزان احساس امنیت شهروندان می‌شود. عملکرد موفقیت‌آمیز پلیس در مقابله با کجروی‌ها و آسیب‌های اجتماعی، موجب افزایش احساس ایمنی شهروندان و این امر نیز به نوبه خود، موجب بهبود نگرش آنان نسبت به پلیس می‌شود و نگرش مطلوب نیز بر منزلت اجتماعی پلیس می‌افزاید. لی فرانس و دیگران در سال ۲۰۰۷، در تحقیقی با عنوان خشونت‌های بین فردی در سه کشور کارائیب: باربادوس، جامائیکا و ترینیداد و توباگو به بررسی دو نوع از خشونت‌های فردی جنسی و فیزیکی و یک نوع از پرخاشگری روان‌شناسی در این سه کشور کارائیب با سطح درآمد پایین تا متوسط پرداختند. در این بررسی به شیوه پیمایشی از مقیاس تاکتیک‌های تضاد تجدید نظر شده و دیگر سازه‌های رفتاری برای ارزیابی سطح و ویژگی‌های خشونت بین فردی استفاده شده است. ۷۱ درصد خشونت‌ها از طرف افراد آشنا و به علت وجود فرهنگ خشونت و فرهنگ روابط درونی خصمانه می‌باشد. لوندادو در سال ۲۰۰۸، در پایان‌نامه‌ای با عنوان پدر و مادر رمانتیک، دوست و والدین: اعمال نفوذ در شبکه‌های مشخص شده با انحراف و بزهکاری نوجوانان، به این نتایج رسیده است که مکانیسم‌های یادگیری اجتماعی که معمولاً شبکه‌های اجتماعی نظیر دوستان، والدین و غیره می‌باشند، در اقدام به رفتارهای ناهنجار تأثیر دارند. همچنین در این میان، تأثیر والدین کم‌مسئولیت‌پذیر در ارتکاب به اعمال ناهنجار فرزندان، بیشتر از بقیه متغیرهاست. شناسایی عوامل مؤثر بر مدیریت مداخله در مدیریت کارکنان در محل کار: تجزیه و تحلیل رابطه بین شخصیت و رفتار با مدیریت اختلاف و نزاع عنوان تحقیقی است که شاپیرو در سال ۲۰۱۴ انجام داده است. این تحقیق از نوع کمی و همبستگی، دنبال این سؤال بوده که آیا شخصیت تأثیری بر رفتار مدیریتی تعارض در محل کار دارد؟ که تست آماری نشان داد ارتباط معناداری میان شخصیت فرد و رفتار پرخاشگرانه او وجود دارد. در زمینه تحقیقات داخلی هم ظهور در سال ۱۳۸۱، در تحقیقی با عنوان اپیدمیولوژی نزاع در مراجعه‌کنندگان به

اورژانس شهر جیرفت به این موارد دست‌یافته است: مهم‌ترین علت نزاع، شوخی و دشنام، باج‌گیری، خصومت قبلی و بحث‌های خانوادگی می‌باشد. نتایج تحقیق، آسیب‌های چشمی ناشی از ضرب و جرح در بیماران مراجعه‌کننده به درمانگاه پزشکی قانونی بیمارستان فارابی را بدین شرح گزارش نموده‌اند که درگیری‌ها به علت مسائل خانوادگی، مسائل مالی و شغلی بوده است. کیانی و دیگران در سال ۲۰۰۷ در مقاله بررسی فراوانی موارد ضرب و جرح ناشی از نزاع در مراجعین به واحد معاینات سرپایی مردان ستاد مرکزی سازمان پزشکی قانونی کشور طی ۳ ماه، به این نتیجه رسیده‌اند که بیشتر مراجعات از طرف افراد دارای سابقه مصرف مواد مخدر و مصرف الکل بوده است. اکثراً در حد متوسطه تحصیلات داشته‌اند و در شغل آزاد و کارگری بیشترین درگیری‌ها رخ داده است. ربانی و دیگران در سال ۲۰۰۹ در پژوهشی با عنوان بررسی جامعه‌شناختی عوامل اجتماعی- فرهنگی مؤثر بر مسئله نزاع جمعی (مطالعه موردی: استان ایلام) به این نتیجه رسیده‌اند که متغیرهای پرخاشگری، قوم‌گرایی و تجربه عینی نزاع تأثیر معنادار و مثبت و میزان کنترل اجتماعی نیز تأثیر معنادار و منفی بر روی میزان گرایش به نزاع داشته‌اند. میرفردی و دیگران در سال ۱۳۹۰ در مقاله‌ای با عنوان میزان گرایش به نزاع جمعی در میان مردان ۱۵-۶۵ سال شهرستان بویراحمد و عوامل مؤثر بر آن به روش میدانی به این مسأله پرداخته‌اند. نتایج تحقیق آن‌ها نشان داده است که اعتماد اجتماعی تأثیری بر نزاع نداشته اما خویشاوندگرایی، پایگاه اجتماعی و اقتصادی تأثیر معناداری بر نزاع جمعی داشته است. رضایی‌کلواری و بحرینی در سال ۲۰۱۰، در تحقیقی با عنوان مطالعه رابطه عوامل فرهنگی-اجتماعی با نزاع‌های دسته‌جمعی، دریافته‌اند که متغیرهای پرخاشگری، قوم‌گرایی، بی‌هنجاری و محرومیت نسبی، دارای رابطه معنادار مثبت و متغیرهای کنترل اجتماعی، انسجام اجتماعی، پایگاه اجتماعی- اقتصادی، سن، جنسیت و تحصیلات، دارای رابطه معنادار معکوس و متغیرهای تأهل و میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی، فاقد رابطه معنادار با گرایش به نزاع‌های جمعی، قومی و قبیله‌ای بوده‌اند. حسین‌زاده و دیگران در سال ۲۰۱۱ در مقاله‌ای با عنوان بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر میزان گرایش به نزاع دسته‌جمعی، مورد مطالعه شهر اهواز، به بررسی عوامل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مؤثر بر میزان گرایش به نزاع دسته‌جمعی در بین شهروندان شهر اهواز پرداخته‌اند. نتایج این تحقیق نشان داد که ویژگی‌های فردی و اقتصادی و اجتماعی

نسبی و پابندی مذهبی همبستگی منفی و معناداری دارد. همچنین نتایج نشان داد که بین گرایش به ضرب و جرح با مهارت کنترل، آگاهی حقوقی و منزلت همبستگی معناداری وجود ندارد. افشانی و دیگران در سال ۲۰۱۵ در تحقیقی به بررسی پدیده نزاع در بین شهروندان ساکن شهر یزد پرداخته‌اند. نتایج تحقیق حاکی از وجود رابطه معناداری بین متغیرهای مستقل سن، تجربه عینی نزاع، رضایت از زندگی و دسترسی به امکانات رفاهی و ابعاد نزاع می‌باشد. از سوی دیگر نتایج این تحقیق نشان داد که افراد با تحصیلات پایین‌تر تمایل بیشتری به نزاع دارند.

با بررسی تحقیقات ذکر شده می‌توان گفت که در زمینه نزاع و درگیری تا به حال مطالعات و تحقیقات زیادی انجام پذیرفته است و این پدیده از منظرهای متعددی مورد بررسی قرار گرفته است؛ اما در ارتباط با درگیری در شهر ارومیه تحقیقی صورت نگرفته است و تنها یک پژوهش در سطح شهرستان ارومیه انجام شده که جامعه آماری آن مربوط به افراد مراجعه کننده به دادسرا بوده است و البته تحقیق مذکور دارای نواقصی (از قلم افتادن برخی ویژگی‌های فردی، عدم اشاره به ویژگی‌های والدین و سایر ویژگی‌های خانوادگی، عدم اشاره به زمان درگیری و ...) است. این تحقیق بر آن است تا حدودی خلأهای موجود در این زمینه را پر کرده و راهگشای تحقیقات بعدی گردد. از نوآوری این تحقیق می‌توان به جامعه آماری آن اشاره نمود که شامل مجرمان ناشی از درگیری در زندان شهر ارومیه می‌باشد. لازم به ذکر است که پدیده جرم درگیری در کشور ما، که دارای بافت جمعیتی چند قومیتی و با فاصله طبقاتی شدید می‌باشد، به عنوان پدیده‌ای مسئله‌ساز ظاهر می‌شود و متأسفانه هنوز خشونت و نزاع از جمله موضوعاتی است که در فرهنگ بعضی از هموطنان، شاخص قدرت و یا دفاع از منزلت اجتماعی و فرهنگی و حیثیت خانوادگی محسوب می‌شود. به گونه‌ای که جامعه‌شناسان و آسیب‌شناسان اجتماعی یکی از عمده‌ترین آسیب‌های امروز ایران را نزاع و درگیری عنوان کرده‌اند (حسین‌زاده و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۹۲). واقعیت غیر قابل انکار و توأم با نگرانی جدی امروز ما، گسترش خشونت و درگیری‌های فیزیکی است که منجر به ضرب و جرح می‌شود.

عوامل گوناگون اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و محیطی در سطح جامعه، سبب به وجود آمدن رفتارهای نامتعارف می‌شوند که دارای روابط علت و معلولی هستند و در سه سطح کلان، میانه و خرد مطرح می‌گردند. این عوامل در سطح خرد دربردارنده عوامل مؤثر بر ایجاد

همگی در نزاع جمعی تأثیرگذارند. نظری و فسخودی در سال ۱۳۸۷، در پژوهشی با عنوان بررسی جامعه‌شناختی عوامل اجتماعی- فرهنگی مؤثر بر مسئله نزاع جمعی: مطالعه موردی استان ایلام، در سال ۲۰۰۷ مناطق شهری و روستایی سه شهرستان ایلام، چرداول و ایوان اقدام به جمع‌آوری اطلاعات کرده‌اند. نتایج به دست آمده حاکی از آن بوده که متغیرهای پرخاشگری، قوم‌گرایی و تجربه عینی نزاع تأثیر معنادار مثبت و میزان کنترل اجتماعی و تحصیلات نیز تأثیر معنادار منفی بر روی میزان گرایش به نزاع داشته‌اند. پورافکاری در سال ۱۳۸۳، در تحقیقی با عنوان تحلیلی بر تنش‌های قومی در ایران به این نتایج دست‌یافته است که این مسئله بیشتر در میان خانواده‌های با درآمد کمتر رخ می‌دهد. ابعاد فرهنگی و اجتماعی ساکنان منطقه مانند بی‌سوادی، عدم آشنایی به قانون، ضعف مالی، تعصب قومی و حفظ سنت‌های قبیله‌ای در این مسئله مؤثر بوده‌اند. عابدینی و دیگران در سال ۱۳۹۰، فراتحلیل تحقیقات انجام گرفته در زمینه درگیری‌های دسته‌جمعی، مطالعات جامعه‌شناسی را کار کرده‌اند. یافته‌های تحقیق آنان حاکی از این بوده است که میزان سن، جنسیت، پایگاه اقتصادی و اجتماعی، سطح سواد و احساس محرومیت، اختلافات قومی و فرهنگی و... در گرایش به نزاع تأثیر متفاوتی دارند. شریعتی و دیگران در سال ۱۳۹۱ مطالعه‌ای با عنوان بررسی عوامل مؤثر بر تمایلات بالقوه به نزاع‌های دسته‌جمعی در شهرستان خدابنده انجام داده‌اند، نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که بین متغیرهای اختلافات ملکی، خانوادگی، عدم اعتماد به مراجع قضایی و انتظامی، عوامل فرهنگی-تاریخی و گرایش به نزاع دسته‌جمعی در شهرستان خدابنده رابطه معناداری وجود دارد. خراطها در سال ۱۳۸۴، تحقیقی با عنوان بررسی علل و عوامل جامعه‌شناختی بروز نزاع و درگیری و پیامدهای آن در شهر تهران انجام داده است که وجود آسیب‌ها و مسائل اجتماعی، ضعف در کنترل و نظارت اجتماعی، کژ کارکردی برخی نهادها و سازمان‌ها، عدم حاکمیت قانون در برخی موارد، پراکندگی و فراوانی کانون‌های نزاع و درگیری به عنوان نتایج این تحقیق گزارش شده است. رضوی‌اله‌اشم و دیگران در سال ۱۳۹۴، در پژوهشی با عنوان بررسی عوامل مؤثر بر میزان گرایش به ضرب و جرح در بین شهروندان شهرستان اردبیل، به روش علی- مقایسه‌ای (پس رویدادی)، از افرادی که به جرم ایراد ضرب و جرح به دادسرای اردبیل مراجعه نموده بودند، استفاده کردند و نتایج تحقیقشان نشان داد که گرایش به ضرب و جرح با تجربه عینی همبستگی مثبت و معناداری و با محرومیت

داده‌ها و روش کار

روش تحقیق این مطالعه، روش توصیفی-تحلیلی از نوع موردکاوانه می‌باشد که شهر ارومیه به عنوان موردپژوهی آن تعیین گردیده است. در مورد چرایی انتخاب شهر ارومیه به عنوان موردپژوهی این تحقیق (شکل ۲)، باید اشاره کرد که شهر ارومیه اگرچه در مرکز استان قرار گرفته اما ریشه اسکان غیررسمی دارد و علاوه بر مشکل فرسودگی بافت، از نرخ جرم و جنایت بالایی نیز برخوردار است. بنابراین به دو دلیل (۱) بافت کالبدی نابسامان و (۲) نرخ بالای جرم و جنایت، شهر ارومیه به عنوان نمونه موردی انتخاب گردیده است. به منظور دستیابی به یک رتبه‌بندی نهایی در قالب متغیرهای تحقیق و رهیافت‌های مربوط به جرائم محیطی از سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS) و نرم‌افزارهای SPSS و Expert Choice کمک گرفته شده است.

رفتارهای مجرمانه در فضاهای شهری هستند که از جمله مهم‌ترین آن‌ها عوامل کالبدی است. برخی از مؤلفه‌های کالبدی مؤثر بر احساس امنیت استفاده‌کنندگان از فضاهای شهری عبارت‌اند از: اندازه و فرم فضا، آسایش بصری و محیطی (آلودگی نمادی، آلودگی دیداری، آلودگی نور، آلودگی محیطی، آلودگی صوتی)، وضعیت نفوذپذیری قلمروها، ویژگی‌های دسترسی و شبکه ارتباطی، کیفیت عمومی مسکن، کیفیت فعالیت‌ها و کاربری زمین. هدف این پژوهش بررسی ناهنجاری‌های کالبدی مؤثر بر ایجاد رفتارهای ناامنی از میان ویژگی‌های دیدگاه کنش‌گران (زندانیان بر اثر درگیری) شهر ارومیه است تا از این طریق در زمینه کاهش وقوع جرم درگیری اقداماتی انجام گیرد.

جدول ۲. مؤلفه‌ها و شاخص‌های اثرگذار بر وقوع جرائم شهری و رویکردهای نظری

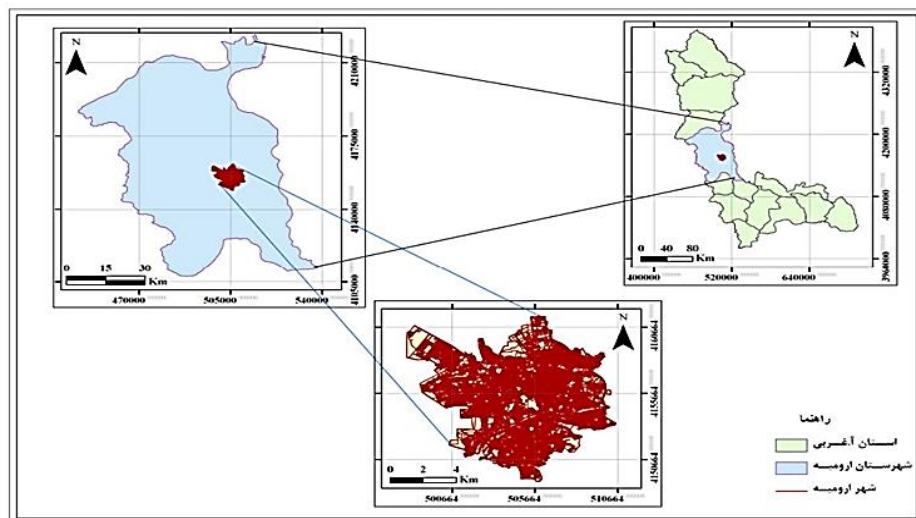
متغیرهای تحقیق	گویه‌های تحقیق	رویکردها و پیشینه‌های مربوط به متغیرهای تحقیق
پایگاه اقتصادی-اجتماعی (ES)	درآمد (Q_1)، سواد (Q_2)	نظریه انزیکوفری؛ نظریه پایگاه اقتصادی و اجتماعی؛ نظریه بوم‌شناسی جنایی (مکتب شیکاگو) / میرفردی و دیگران، ۲۰۱۰؛ حسین‌زاده و دیگران، ۲۰۱۱؛ رنگام و ویلسون، ۲۰۰۴؛ کیانی و دیگران، ۲۰۰۷؛ رضایی‌کلواری و بحرینی، ۲۰۱۰؛ نظری و فسخودی، ۱۳۸۷؛ پورافکاری، ۱۳۸۳؛ عابدینی و دیگران، ۱۳۹۰؛ افشانی و دیگران، ۲۰۱۵.
تعلق به جامعه قومی-تعصبی (ET)	مسائل ناموسی (Q_3)، قوم‌گرایی (Q_4)	نظریه قوم‌گرایی یوال دیویس / میرفردی و دیگران، ۲۰۱۰؛ ربانی و دیگران، ۲۰۰۹؛ شریعتی و دیگران، ۱۳۹۱؛ حسین‌زاده و دیگران، ۲۰۱۱؛ بومیستر و دیگران، ۱۹۹۶؛ رنگام و ویلسون، ۲۰۰۴؛ رضایی‌کلواری و بحرینی، ۲۰۱۰؛ نظری و فسخودی، ۱۳۸۷؛ پورافکاری، ۱۳۸۳؛ عابدینی و دیگران، ۱۳۹۰.
آلودگی (P)	بصری (Q_5)، صوتی (Q_6)	نظریه بوم‌شناسی جنایی (مکتب شیکاگو).
تغییرات اقلیمی (CC)	سرما و یخبندان (Q_7)، گرما (Q_8)	نظریه بوم‌شناسی جنایی (مکتب شیکاگو).
تعاملات منفی (NI)	ارتباط با افراد ناباب (Q_9)، یادگیری از محیط پیرامون (Q_{10})	نظریه یادگیری اجتماعی؛ نظریه تعامل‌گرایی؛ نظریه فضای عاطفی خانواده؛ نظریه هوش فرهنگی؛ نظریه پیوند افتراقی؛ نظریه کنترل اجتماعی.
خاستگاه مکانی-خانوادگی (SF)	محل تولد (Q_{11})، محل سکونت (Q_{12})	نظریه جامعه‌شناختی؛ نظریه دورکیم؛ نظریه زیمل؛ نظریه امنیت محل سکونت؛ نظریه بوم‌شناسی جنایی (مکتب شیکاگو) / حسین‌زاده و دیگران، ۱۳۸۹؛ کلانتری و دیگران، ۱۳۸۸؛ خراطها، ۱۳۸۴.
کنترل اجتماعی (SC)	ضعف امنیت (Q_{13})، ضعف قوانین محکم (Q_{14})	نظریه کنترل اجتماعی؛ نظریه پارسونز / ربانی و دیگران، ۲۰۰۹؛ شریعتی و دیگران، ۱۳۹۱؛ حسین‌زاده و دیگران، ۲۰۱۱؛ لونداردو، ۲۰۰۸؛ رضایی‌کلواری و بحرینی، ۲۰۱۰؛ خراطها، ۱۳۸۴.
مسائل اجتماعی-خانواده (FS)	وجود بیماری (Q_{15})، وجود اعتیاد (Q_{16})	نظریه فضای عاطفی خانواده / شریعتی و دیگران، ۱۳۹۱؛ رنگام و ویلسون، ۲۰۰۴؛ خراطها، ۱۳۸۴.

نظریه برچسب‌زنی؛ نظریه عادت‌واره پیر؛ نظریه یادگیری اجتماعی باندورا؛ پیوند افتراقی ساترلند / ربانی و دیگران، ۲۰۰۹؛ کیانی و دیگران، ۲۰۰۷؛ نظری و فسخودی، ۱۳۸۷؛ رضوی‌اله‌اشم و دیگران، ۱۳۹۴؛ افشانی و دیگران، ۲۰۱۵.	سابقه جرم (Q_{17})، داشتن اعتیاد (Q_{18}).	برچسب زنی (PC)
نظریه احساس محرومیت نسبی؛ نظریه فشار و محرومیت مرتن / حسین‌زاده و دیگران، ۱۳۸۹؛ رنگام و ویلسون، ۲۰۰۴؛ رضایی‌کلواری و بحرینی، ۲۰۱۰؛ عابدینی و دیگران، ۱۳۹۰؛ رضوی‌اله‌اشم و دیگران، ۱۳۹۴؛ افشانی و دیگران، ۲۰۱۵.	عدم دسترسی به امکانات و خدمات (Q_{19})، فقر و نداری (Q_{20}).	محرومیت نسبی (PD)
نظریه هوش فرهنگی / میرفردی و دیگران، (۲۰۱۰).	رفتار بدون آگاهی و هوشیاری (Q_{21})، اطمینان در ارتباط با غریبه‌ها و غیربومی‌ها (Q_{22}).	هوش فرهنگی (CI)
نظریه پرخاشگری کنش برانگیخته شده؛ نظریه آنومی اجتماعی؛ نظریه ناکامی منزلتی کوهن؛ نظریه پرخاشگری ذاتی؛ نظریه زیست‌شناختی / حسین‌زاده و دیگران، ۱۳۸۹.	ناکامی در رسیدن به هدف (Q_{23})، عصبانیت خانوادگی (Q_{24}).	آنومی اجتماعی و ویژگی ژنتیکی (SA)

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹

این شهر با مساحتی حدود ۱۰۰۵۰ هکتار دارای موقعیت استقرار مناسب بوده و تقریباً در میانه استان واقع شده است. این شهر در جلگه ارومیه که یکی از مستعدترین جلگه‌ها است، واقع شده است.

شهر ارومیه مرکز شهرستان ارومیه و استان آذربایجان غربی در جلگه‌ای به طول ۷۰ و عرض ۳۰ کیلومتر در فاصله ۱۸ کیلومتری دریاچه ارومیه واقع شده است. ارتفاع این شهر از سطح دریا ۱۳۱۳ متر است. طبق آخرین سرشماری ۶۶۷۴۹۹ نفر جمعیت داشته است.



شکل ۲. موقعیت جغرافیایی محدوده مورد مطالعه. مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹

درصد زنان بودند.

شرح و تفسیر نتایج

بر اساس جدول ۱ می‌توان گفت که از بین ۱۵ سنجه مرتبط، سنجه «وجود یا عدم وجود علائم بیان‌کننده جدایی بین فضای عمومی و فضای خصوصی» با میانگین کمتر از ۱ دارای کمترین امتیاز و در نتیجه بیشترین قابلیت برای وقوع جرم به‌صورت بالقوه در بین سنجه‌ها می‌باشند. همچنین سنجه‌های «وضعیت روشنایی در شب» و «میزان نظم و

در این قسمت با استفاده از روش‌شناسی فوق‌الذکر، هر یک از سنجه‌های معرفی شده برای اصول رهیافت «جلوگیری از جرائم شهری با استفاده از طراحی محیطی» از طریق روش تحقیق میدانی اعم از مشاهده‌ای و پرسشنامه‌ای، به ترتیب بررسی و تحلیل شدند (جدول ۱ و شکل ۳). همچنین متوسط سن پرسش‌شوندگان ۳۷/۴ سال و ۳۴/۷ درصد مردان و ۶۵/۳

«تعدد مناطق کور و فضاهای باز بدون نظارت»، «میزان فاصله از دسترسی‌های غیر محلی (شریانی و یا اصلی)»، «میزان مدت اقامت» و «میزان فاصله تا کانون‌ها و پهنه‌های شلوغ و پرتردد» با میانگین بین ۳ تا ۴ امتیاز دارای وضعیت نسبتاً مناسب هستند.

در ادامه نیز از طریق فن «روی هم‌گذاری لایه‌ها» و «فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی» (AHP)، امتیازهای به دست آمده برای هر یک از پارسل‌ها در سنجه‌های مختلف بر اساس امتیاز نرمال شده اصول رهیافت «جلوگیری از جرائم شهری با استفاده از طراحی محیطی» (جدول ۳)، با یکدیگر تلفیق گردیدند.

پاکیزگی در محیط» با میانگین بین ۴ تا ۵ دارای بیشترین امتیاز و در نتیجه کمترین قابلیت برای وقوع جرم به صورت بالقوه در بین سنجه‌ها می‌باشند. در بین این دو نیز سنجه‌های «میزان نظارت‌های رسمی، سازمان‌یافته و یا نظارت‌های مکانیکی» و «میزان علاقه به شهر» با میانگین بین ۱ تا ۲ امتیاز دارای وضعیت نسبتاً نامناسب، سنجه‌های «میزان اشراف ساختمان به معبر»، «بن باز و یا بن بست بودن»، «میزان روابط همسایگی»، «میزان احساس مسئولیت در قبال همسایگان»، «میزان مشارکت در امور مرتبط با شهر و ارتباط با نهادهای محلی» و «میزان فاصله تا محورهای شلوغ و پرتردد» با میانگین بین ۲ تا ۳ امتیاز دارای وضعیت متوسط و سنجه‌های

جدول ۳. امتیاز نرمال شده اصول رهیافت جلوگیری از جرائم شهری

اصول	تقویت نظارت طبیعی	قابلیت کنترل دسترسی‌ها	تقویت قلمروهای طبیعی	حفظ و نگهداری از محیط	حمایت از فعالیت‌های اجتماعی سالم	جمع
امتیاز نرمال شده	۰/۳۱	۰/۱۴	۰/۲	۰/۰۹	۰/۲۶	۱/۰۰

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹

به‌ویژه به دلیل کمبود قابلیت نظارت طبیعی، فعالیت‌های اجتماعی به هنجار و حفاظت و نگهداری از محیط، در این محدوده‌ها است.

نتایج حاصله (جدول ۳) نشان می‌دهد که در مجموع بیشترین نقاط بالقوه برای وقوع جرم از منظر رهیافت جرائم شهری، در اطراف شهر ارومیه و نه در مرکز شهر، قرار دارند و این موضوع (همان‌طور که در جداول قبلی مشخص گردید)

جدول ۴. معناداری ضرایب مسیر

مسیر	ضریب مسیر	P-values	نتیجه
ECF ES ←	۰/۵۶	۰/۰۰۹۹	تأیید
ECF ET ←	۰/۷	۰/۰۲	تأیید
ECF P ←	۰/۲۵	۰/۱۹	رد
ECF CC ←	۰/۱۲	۰/۳۶	رد
ECF NI ←	۰/۱۱	۰/۰۱	تأیید
ECF SF ←	۰/۲۷	۰/۰۲	تأیید
ECF SC ←	۰/۱۳	۰/۰۳	تأیید
ECF FS ←	۰/۴۱	۰/۰۳۸	تأیید
ECF PC ←	۰/۴۸	۰/۰۱	تأیید
ECF PD ←	۰/۲۱	۰/۰۱	تأیید
ECF CI ←	۰/۵	۰/۰۳	تأیید
ECF SA ←	۰/۹	۰/۰۲۹۹	تأیید

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹

های جامعه کمتر قابل دسترس هستند و جداسازی فضاها از یکدیگر اغلب اشاره به بسته شدن فضا و ایجاد امنیت در آن دارد و قدرت کنترل فضا و دسترسی به آن‌ها را به نمایش می‌گذارد. در راهبردهای «پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیط» تعیین قلمرو مالکیت یک نقش محوری دارد. مردم با احساس مالکیتی که نسبت به اموال و املاک خود دارند از آن محافظت می‌کنند. قرار دادن دیوار، حصار، نرده، تابلو و علائم هشدار، حریم‌های فیزیکی مناسبی هستند که حدود مالکیت و در نتیجه حدود دسترسی را مشخص می‌کند. لذا با تعیین مالکیت شخصی می‌توان موانعی بر سر راه دسترسی مجرمین ایجاد کرد. بالاترین پتانسیل برای بزهکاری در محدوده‌های تجاری بخش مرکزی) که اکثر ساختمان‌ها به صورت طبقاتی با طبقه همکف تجاری و مابقی مسکونی هستند (و محدوده-هایی با تراکم جمعیتی بالا) که یکی از موانع کنترل‌های اجتماعی محسوب می‌شود و موجب از هم گسیختگی و ناهمگونی روابط افراد شده و به عنوان عاملی مثبت و مؤثر در بروز جرم عمل می‌نماید (و مناطق حاشیه‌نشین) همچون وکیل‌آباد مشاهده می‌شود؛ یعنی با روندی افزایشی از مناطق حاشیه‌ای به سمت بخش‌های داخلی و مناطق حاشیه‌نشین شهر کشیده شده است، که بیانگر آن است که جرائم شهری، ظرف مکانی - فضایی منحصر به فردی دارند و در کنار دیگر شرایط جامعه شهری، ویژگی‌های محیطی نیز در وقوع جرم تأثیرگذار هستند و برخی محیط‌های شهری به دلیل ویژگی-های کالبدی و محیطی اطراف خود، مجرمان را جذب کرده و باعث شکل‌گیری کانون‌های جرم خیز می‌شوند.

بر اساس جدول ۴ هرچه ضرایب به‌دست‌آمده بالاتر باشند، نشان‌دهنده آن است که متغیر مدنظر اثرگذاری بیشتری دارد. در مدل ساختاری به دست آمده، پایگاه اقتصادی- اجتماعی با ضریب تأثیر ۰/۵۶ بیشترین تأثیر را بر متغیر وقوع درگیری گذاشته است. بعد از این متغیر، متغیرهای برچسب‌زنی، مسائل اجتماعی خانواده، خاستگاه مکانی-خانوادگی و محرومیت نسبی به ترتیب با ضریب تأثیر ۰/۴۸، ۰/۴۱، ۰/۲۷ و ۰/۲۱ بیشترین تأثیر را دارند، کمترین تأثیر نیز مربوط به هوش فرهنگی با ضریب ۰/۵ است. همچنین، با توجه به مقدار P-values، تأثیر متغیرهای پایگاه اقتصادی- اجتماعی، تعلق به جامعه تعصبی- قومیتی، آنومی اجتماعی و ویژگی ژنتیکی، تعاملات منفی، خاستگاه مکانی - خانوادگی، کنترل اجتماعی، مسائل اجتماعی خانواده، برچسب‌زنی، محرومیت نسبی و هوش فرهنگی بر متغیر وابسته عوامل مؤثر بر وقوع درگیری مورد تأیید قرار گرفته است. همچنین با توجه به مقدار P-values، تأثیر متغیرهای آلودگی و تغییرات اقلیمی بر متغیر وابسته عوامل مؤثر بر وقوع درگیری رد شده است.

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد بین موضوع امنیت در محلات و فضاها شهر ارومیه و شاخص‌های فرم و اندازه فضا، دسترسی و نفوذپذیری، فعالیت و کاربری زمین، آسایش محیطی و بصری، وضعیت بناهای مسکونی و مدیریت شهری رابطه‌ای معنادار وجود دارد. همچنین مؤلفه اصلی پیرامون امنیت فضاها عمومی، موضوع دسترسی است. اگرچه بنابه تعریف، قلمرو فضای عمومی، باید برای همه قابل‌دسترس باشد، بعضی محیط‌ها به عمد و یا غیرعمد برای برخی از گروه-

جدول ۵. بررسی سنجه‌های اصول مختلف رهیافت جلوگیری از جرائم شهری در ارومیه

انحراف معیار	میانگین	وضعیت پارسل‌های شهر ارومیه بر مبنای سنجه موردنظر					نحوه امتیازدهی به پارسل‌ها بر مبنای سنجه موردنظر	سنجه موردنظر	فصل قابلیت نظارت طبیعی
۱/۴	۲/۹	۸۱ تا ۱۰۰	۶۱ تا ۸۰	۴۱ تا ۶۰	۲۱ تا ۴۰	۰ تا ۲۰	تعداد ساختمان‌های محاط کننده پارسل موردنظر و دارای اشرافیت مناسب به فضای عمومی بیرونی (درصد)	میزان اِشراف ساختمان به معبر	
		۵ (۱۲/۹۶)	۴ (۲۵/۹۳)	۳ (۲۰/۳۷)	۲ (۱۸/۵۲)	۱ (۲۲/۲۲)	امتیاز (درصد) پارسل موردنظر		
۱/۵	۳/۹	-	-	۵۱ تا ۱۰۰	۱ تا ۵۰	۰	درصد اختصاص یافته به فضاهای باز	تعدد مناطق کور و فضاهای	

							بدون نظارت و یا مناطق کور از کل مساحت پارسل	باز بدون نظارت	فصل پنجم: کنترل دسترسی ها
							امتیاز (درصد) پارسل مورد نظر		
		-	-	۱ (۱۵/۷۴)	۳ (۲۳/۱۵)	۵ (۶۱/۱۱)			
۱/۱	۱/۴	-	-	سایر پارسل ها	پارسل های قرار گرفته در بعد دید نظارت صورت پذیرفته	پارسل های قرار گرفته در ارتباط مستقیم با نظارت صورت پذیرفته	چگونگی قرارگیری پارسل ها در ارتباط با نظارت های رسمی، سازمان یافته و یا مکانیکی	میزان نظارت های رسمی، سازمان یافته و یا مکانیکی	
		-	-	۱ (۸۴/۲۶)	۳ (۱۰/۱۹)	۵ (۵/۵۶)	امتیاز (درصد) پارسل مورد نظر		
۰/۵	۴/۹	-	-	نامناسب	متوسط	مناسب	وضعیت روشنایی در پارسل ها	وضعیت روشنایی در شب	
		-	-	۱ (۰/۰۰)	۳ (۵/۵۶)	۵ (۹۴/۴۴)	امتیاز پارسل مورد نظر		
۰/۴	۱/۰	-	-		عدم وجود	وجود	وجود یا عدم وجود علائم بیان کننده جدایی بین فضای عمومی و فضای خصوصی در پارسل	وجود یا عدم وجود علائم بیان کننده جدایی بین فضای عمومی و فضای خصوصی	
		-	-		۱ (۹۹/۰۷)	۵ (۰/۹۳)	امتیاز (درصد) پارسل مورد نظر		
۱/۹	۳/۴	-	-	پارسل که کمتر از ۲۵ درصد آن در بافر قرار گرفته است	پارسل که بین ۲۵ تا ۷۵ درصد آن در بافر قرار گرفته است	پارسل که بیش از ۷۵ درصد آن در بافر قرار گرفته است	نحوه قرارگیری پارسل نسبت به محدوده های مشخص شده بر مبنای شاخص میزان فاصله از دسترسی های غیر محلی	میزان فاصله از دسترسی های غیر محلی (شریانی و یا اصلی)	
		-	-	۵ (۵۵/۵۶)	۳ (۸/۳۳)	۱ (۳۶/۱۱)	امتیاز (درصد) پارسل مورد نظر		
۱/۴	۲/۳	-	-	بیش از ۷۵ درصد	بین ۲۵ تا ۷۵ درصد	کمتر از ۲۵ درصد	نسبت اختصاص یافته از پارسل به بن بست	بن باز و یا بن بست بودن	
		-	-	۵ (۱۳/۸۹)	۳ (۳۷/۹۶)	۱ (۴۸/۱۵)	امتیاز (درصد) پارسل مورد نظر		
۱/۱	۳/۴	بیشتر از	۱۰ تا ۱۵	۵ تا ۱۰	۱ تا ۵	صفر تا ۱	گزینه ها	میزان مدت	نتیجه

		سال	سال	سال	سال	سال	اقامت		
							امتیاز (درصد)	امتیاز (درصد)	
۱/۰	۲/۷	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	گزینه‌ها	میزان روابط	همسایگی
		۵ (۳/۷)	۴ (۱۳/۸۹)	۳ (۴۱/۶۷)	۲ (۲۷/۷۸)	۱ (۱۲/۹۶)	امتیاز (درصد)	امتیاز (درصد)	
۰/۸	۲/۴	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	گزینه‌ها	میزان احساس	مسئولیت در قبال همسایگان
		۰	۴ (۱۲/۰۴)	۳ (۲۵/۹۳)	۲ (۵۲/۷۸)	۱ (۹/۲۶)	امتیاز (درصد)	امتیاز (درصد)	
۰/۷	۲/۵	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	گزینه‌ها	میزان مشارکت	در امور مرتبط با شهر و ارتباط با نهادهای شهری
		۰	۴ (۶/۴۸)	۳ (۳۲/۴۱)	۲ (۴۶/۳)	۱ (۱۴/۸۱)	امتیاز (درصد)	امتیاز (درصد)	
۱/۲	۱/۷	-	-	زیاد	متوسط	کم	گزینه‌ها	میزان علاقه به شهر	شهر
		-	-	۵ (۵/۵۶)	۳ (۲۵/۹۳)	۱ (۶۸/۵۲)	امتیاز (درصد)	امتیاز (درصد)	
۱/۳	۴/۴	-	-	نبود هیچ کدام از عوامل ثابت و متحرک	وجود یکی از عوامل ثابت و متحرک	وجود هر دو عامل ثابت و متحرک	میزان نظم و پاکیزگی در محیط پارسل	میزان نظم و پاکیزگی در محیط	اصل حفاظ و نگهداری از محیط
		-	-	۵ (۷۷/۷۸)	۳ (۱۲/۹۶)	۱ (۹/۲۶)	امتیاز (درصد)	امتیاز (درصد)	
۱/۶	۳/۷	-	-	پارسل‌های چسبیده به کانون‌ها و پهنه‌های کمتر از ۵۰ متری با پرتردد	پارسل‌های چسبیده به کانون‌ها و پهنه‌های شلوغ و پرتردد در فاصله کمتر از ۵۰ متری با آنها	پارسل‌های چسبیده به کانون‌ها و پهنه‌های شلوغ و پرتردد در فاصله مساوی یا بیشتر از ۵۰ متری با آنها	نحوه ارتباط پارسل‌ها با کانون‌ها و پهنه‌های شلوغ و پرتردد	میزان فاصله تا کانون‌ها و پهنه‌های شلوغ و پرتردد	اصل حمایت از فعالیت‌های اجتماعی سالم
		-	-	۵ (۵۴/۶۳)	۳ (۲۵/۹۳)	۱ (۱۹/۴۴)	امتیاز (درصد)	امتیاز (درصد)	
۱/۳	۲/۵	سایر	محدوده ۲۵ متری محور نیمه شلوغ	محدوده ۵۰ متری محور شلوغ	محورهای نیمه شلوغ	محورهای شلوغ	فاصله پارسل از محورهای شلوغ و پرتردد	میزان فاصله تا محورهای شلوغ و پرتردد	
		۱ (۲۱/۳۰)	۲ (۳۷/۰۴)	۳ (۱۸/۵۲)	۴ (۸/۳۳)	۵ (۱۴/۸۱)	امتیاز (درصد)	امتیاز (درصد)	

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹

بحث و نتیجه گیری

بشر امروز قادر به ریشه کن کردن جرائم نیست و تنها می تواند زمینه های وقوع جرم را کاهش دهد. از جمله این زمینه ها، توجه به کالبد و محیط های انسان ساخت است که می تواند زمینه بروز جرم را تقلیل داده یا تشدید کند. هدف این مقاله شناخت رهیافت «جلوگیری از جرائم شهری با استفاده از طراحی محیطی» به عنوان یکی از رویکردهای جدید در ارتباط با کاهش زمینه های جرم خیزی و کاربست آن در جهت ارتقاء امنیت شهر ارومیه بود. برای دستیابی به هدف فوق در گام نخست، این رهیافت از طریق رجوع به اصول آن معرفی گردیده و سپس با مروری بر ادبیات نظری و تجربی مرتبط با رهیافت «جلوگیری از جرائم شهری با استفاده از طراحی محیطی»، سنجه هایی شامل (۱) میزان اشرافیت ساختمان به معبر، (۲) میزان فاصله از مناطق کور (فضاهای U و L شکل در بدنه و یا دارای اختلاف سطح در کف به نحوی که باعث مانع دید شود) و فضاهای باز بدون نظارت، (۳) میزان نظارت های رسمی و سازمان یافته (ناجا) یا نظارت های مکانیکی (دوربین) و (۴) وضعیت روشنایی در شب برای اصل قابلیت نظارت طبیعی، سه سنجه شامل (۱) وجود یا عدم وجود علائم بیان کننده جدایی بین فضای عمومی و فضای خصوصی، (۲) میزان فاصله از دسترسی های غیر محلی (شریانی و یا اصلی) و (۳) بن باز و یا بن بست بودن، برای اصل قابلیت کنترل طبیعی دسترسی ها، پنج سنجه شامل (۱) میزان مدت

اقامت، (۲) میزان روابط همسایگی، (۳) میزان احساس مسئولیت در قبال همسایگان، (۴) میزان مشارکت در امور مرتبط با شهر و ارتباط با نهادهای محلی و (۵) میزان علاقه به شهر برای اصل میزان وجود قلمروهای طبیعی، سنجه میزان نظم و پاکیزگی در محیط برای اصل میزان حفاظت و نگهداری از محیط و دو سنجه شامل (۱) میزان فاصله تا کانون ها و پهنه های شلوغ و پرتردد و (۲) میزان فاصله تا محورهای شلوغ و پرتردد برای اصل میزان وجود فعالیت های اجتماعی بهنجار، در قالب چارچوبی ارائه گردید که این چارچوب می تواند به عنوان یک راهنما به برنامه ریزان و طراحان شهری برای محیط های امن در برابر جرائم کمک کند.

بعد از مشخص شدن این سنجه ها، در گام دوم برای به کارگیری رهیافت «جلوگیری از جرائم شهری با استفاده از طراحی محیطی» در شهر ارومیه، از روش جمع آوری داده ها از طریق مطالعه میدانی به دو گونه مشاهده ای و پرسشنامه ای استفاده گردیده و با تقسیم فضاهای باز شهر ارومیه در قالب پارسل ها و نسبت دادن هر یک از امتیازات به دست آمده برای سنجه ها به پارسل های مختلف، مناطق بالقوه برای وقوع جرم بر مبنای هر یک از سنجه های مذکور مورد شناسایی قرار گرفت. نتایج به دست آمده از این مرحله، اولاً مکان های اصلی بالقوه برای وقوع جرم بر مبنای هر یک از سنجه های اصول رهیافت جلوگیری از جرائم شهری با استفاده از طراحی محیطی در شهر ارومیه را طبق جدول ۶ نشان داد.

جدول ۶. شاخص های اصلی بالقوه برای وقوع جرم بر مبنای سنجه های هر یک از اصول رهیافت جلوگیری از جرائم

ردیف	اصول	سنجه تعیین کننده
۱	قابلیت نظارت طبیعی	میزان اشرافیت ساختمان به معبر
		میزان فاصله از مناطق کور (فضاهای U و L شکل در بدنه و یا دارای اختلاف سطح در کف به نحوی که باعث مانع دید شود) و فضاهای باز بدون نظارت
		میزان نظارت های رسمی و سازمان یافته (ناجا) یا نظارت های مکانیکی (دوربین)
		وضعیت روشنایی در شب
۲	قابلیت کنترل طبیعی دسترسی ها	وجود یا عدم وجود علائم بیان کننده جدایی بین فضای عمومی و فضای خصوصی
		میزان فاصله از دسترسی های غیر محلی (شریانی و یا اصلی)
		بن باز و یا بن بست بودن
۳	میزان وجود قلمروهای طبیعی	میزان مدت اقامت
		میزان روابط همسایگی
		میزان احساس مسئولیت در قبال همسایگان

میزان مشارکت در امور مرتبط با شهر و ارتباط با نهادهای محلی و پلیس		
میزان علاقه به شهر		
میزان نظم و پاکیزگی در محیط	میزان حفاظت و نگهداری از محیط	۴
میزان فاصله تا کانون‌ها و پهنه‌های شلوغ و پرتردد	میزان وجود فعالیت‌های اجتماعی	۵
میزان فاصله تا محورهای شلوغ و پرتردد	بهنجار	

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹

«وضعیت روشنایی در شب» و «میزان نظم و پاکیزگی در محیط» با میانگین بین ۴ تا ۵ دارای بیشترین امتیاز و در نتیجه کمترین قابلیت برای وقوع جرم به‌صورت بالقوه در بین سنجه‌ها می‌باشند.

ثانیاً مشخص گردید که طبق جدول ۷، شهر ارومیه به لحاظ سنجه «وجود یا عدم وجود علائم بیان‌کننده جدایی بین فضای عمومی و فضای خصوصی» با میانگین کمتر از ۱ دارای کمترین امتیاز و در نتیجه بیشترین قابلیت برای وقوع جرم به‌صورت بالقوه در بین سنجه‌ها و به لحاظ سنجه‌های

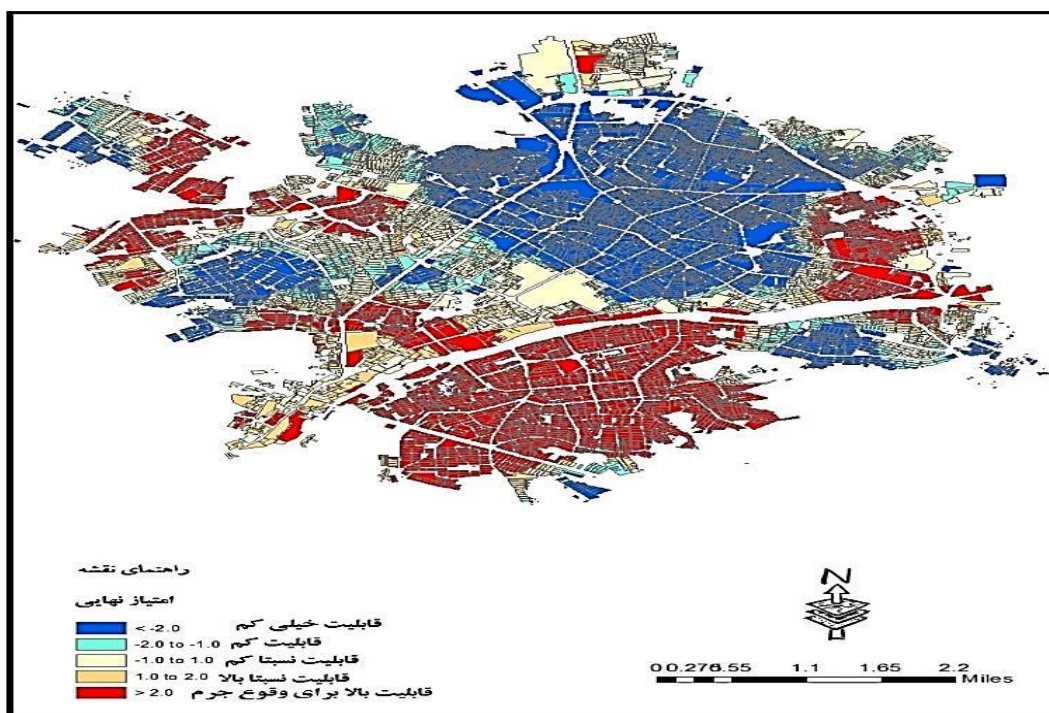
جدول ۷. وضعیت سنجه‌های اصول رهیافت جلوگیری از جرائم شهری

سنجه‌ها	میانگین	وضعیت
وجود یا عدم وجود علائم بیان‌کننده جدایی بین فضای عمومی و فضای خصوصی	بین ۰ تا ۱	نامناسب
میزان نظارت‌های رسمی، سازمان‌یافته و یا نظارت‌های مکانیکی میزان علاقه به شهر	بین ۱ تا ۲	نسبتاً نامناسب
میزان اشرافیت ساختمان به معبر بن‌باز و یا بن‌بست بودن میزان روابط همسایگی میزان احساس مسئولیت در قبال همسایگان میزان مشارکت در امور مرتبط با شهر و ارتباط با نهادهای محلی میزان فاصله تا محورهای شلوغ و پرتردد	بین ۲ تا ۳	متوسط
تعدد مناطق کور و فضاهای باز بدون نظارت میزان فاصله از دسترسی‌های غیرمحملی (شریانی و یا اصلی) میزان مدت اقامت میزان فاصله تا کانون‌ها و پهنه‌های شلوغ و پرتردد	بین ۳ تا ۴	نسبتاً مناسب
وضعیت روشنایی در شب میزان نظم و پاکیزگی در محیط	بین ۴ تا ۵	مناسب

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹

نرمال شده اصول رهیافت «جلوگیری از جرائم شهری با استفاده از طراحی محیطی»، با یکدیگر تلفیق شد.

در گام سوم نیز از طریق فن «روی هم‌گذاری لایه‌ها» و «فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی»، امتیازهای به دست آمده برای هر یک از پارسل‌ها در سنجه‌های مختلف بر اساس امتیاز



شکل ۳. نقشه نهایی قابلیت جرم‌خیزی حاصل از خروجی مدل‌های تحلیلی. مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹

کنترل اجتماعی و پایگاه اجتماعی و اقتصادی پورافکاری (۱۳۸۳)، تأثیر تعصب قومی-قبیله‌ای، بی‌آگاهی و پایگاه اقتصادی و اجتماعی؛ عابدینی و دیگران (۱۳۹۰)، تأثیر کنترل والدین شریعتی و دیگران (۱۳۹۱)، تأثیر مسائل خانوادگی و عدم اعتماد به مراجع قضایی خراطها (۲۰۱۳)، تأثیر مسائل اجتماعی و کنترل اجتماعی رضوی‌اله‌اشم و دیگران (۱۳۹۴) و افشانی و دیگران (۲۰۱۵)، تأثیر تجربه عینی بخارایی و دیگران (۲۰۱۶)، تأثیر تعاملات و آنومی اجتماعی بر وقوع درگیری همخوانی دارد؛ اما با نتایج تحقیقات رضوی‌اله‌اشم و دیگران (۱۳۹۴) در خصوص کنترل اجتماعی و آگاهی همخوانی ندارد و اینکه نتایج این تحقیق با نظریه‌های پایگاه اقتصادی و اجتماعی، محرومیت نسبی، ناکامی منزلتی، قوم‌گرایی، کنترل اجتماعی، آنومی اجتماعی، روانشناختی، اکولوژی جنایی، فشار، برچسب‌زنی، عادت‌واره، پیوند افتراقی، یادگیری اجتماعی و هوش فرهنگی همسو بوده و از حمایت آن‌ها برخوردار است.

منابع

افشانی، سیدعلیرضا، نوائی، سعید و دل‌بازی‌اصل، مجتبی (۱۳۹۴). بررسی پدیده نزاع در بین شهروندان ساکن شهر یزد. فصلنامه پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی/ایران، ۴ (۱)، ۹۴-۷۹. بشیریه، حسین (۱۳۷۴). جامعه‌شناسی سیاسی. تهران: نشر نی.

نهایتاً، می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که در بروز درگیری، عوامل مختلف فردی، اجتماعی-اقتصادی و محیطی تأثیر گذارند که این عوامل با توجه به شرایط زمانی و مکانی، اهمیت و درجه تأثیرگذاری متفاوتی دارند. به گونه‌ای که مهم‌ترین این متغیرها برای تحقیق حاضر، متغیرهای پایگاه اقتصادی-اجتماعی، تعلق به جامعه تعصبی-قومیتی، آنومی اجتماعی و ویژگی ژنتیکی، تعاملات منفی، خاستگاه مکانی خانوادگی، کنترل اجتماعی، مسائل اجتماعی خانواده، برچسب‌زنی، محرومیت نسبی و هوش فرهنگی هستند که به ترتیب درجه اهمیت ذکر شدند.

بررسی مطالعات مختلف در این زمینه نشان می‌دهد که نتایج این تحقیق با تحقیق در خصوص تأثیر محرومیت و اطمینان به سیستم قضایی بومیتسر (۱۹۹۶)، تأثیر مسائل ناموسی رنگام و ویلسون (۲۰۰۴)، تأثیر یادگیری اجتماعی لی-فرانس (۲۰۰۷)، تأثیر تعاملات و روابط لئوناردو (۲۰۰۸)، تأثیر یادگیری اجتماعی و مسئولیت‌پذیری والدین شاپیرو (۲۰۱۴)، تأثیر شخصیت فردی ظهور (۱۳۸۱)، وجود مشکلات خانوادگی ربانی و دیگران (۲۰۰۹) و نظری (۱۳۸۷)، تأثیر قوم‌گرایی، تجربه عینی و کنترل اجتماعی؛ میرفردی و دیگران (۲۰۱۰)، تأثیر خویشاوندگرایی و پایگاه اجتماعی و اقتصادی رضایی کلواری و بحرینی (۱۳۸۹)، تأثیر قوم‌گرایی، محرومیت نسبی،

عبداللهی حقی، مریم (۱۳۸۳). پیشگیری از جرم توسط مناطق شهری برنامه‌ریزی شده. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، گروه علوم جغرافیایی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه زنجان.

عنابستانی، علی اکبر و جوانشیری، مهدی (۱۳۹۶). تأثیر پراکنده‌رویی بر احساس امنیت کالبدی در سکونتگاه‌های روستایی (مطالعه موردی: شهرستان بینالود). *فصلنامه برنامه‌ریزی توسعه کالبدی*، ۴ (۷)، ۶۲-۳۷.

کاربخش‌داوری، مژگان، منصوری، محمدرضا، سلیمی، جواد و خاجی، علی (۱۳۸۲). آسیب‌های چشمی ناشی از ضرب و جرح در بیماران مراجعه‌کننده به درمانگاه پزشکی قانونی بیمارستان فارابی در سال ۱۳۸۱. *فصلنامه پزشکی قانونی ایران*، ۳۰ (۲)، ۷۴-۶۹.

کلاتری، محسن، قزلباش، سمیه و جباری، کاظم (۱۳۸۸). تحلیل فضایی بزهکاری شهری با استفاده از مدل تخمین تراکم کرنل مورد مطالعه: جرائم شرارت، نزاع و درگیری در شهر زنجان. *نشریه نظم و امنیت/انتظامی*، ۲ (۳)، ۱۰۰-۷۳.

کیانی، مهرزاد، بزمی، شبنم، قره داغی، جابر و برزگر، عبدالرزاق (۱۳۸۶). بررسی فراوانی موارد ضرب و جرح ناشی از نزاع در مراجعین به واحد معاینات سرپایی مردان ستاد مرکزی سازمان پزشکی قانونی کشور طی ۳ ماه. *فصلنامه پزشکی قانونی ایران*، ۱۳ (۴)، ۲۶۰-۲۵۶.

محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۸۳). *وندلیسم*. تهران: انتشارات نی. محمدی‌گانه، بهروز، چراغی، مهدی و اسلامی، لیلا (۱۳۹۶). تحلیل اثرات اعتبارات مقاوم‌سازی مسکن بر احساس امنیت خانوارهای روستایی مطالعه موردی: دهستان معجزات، شهرستان زنجان. *فصلنامه برنامه‌ریزی توسعه کالبدی*، ۴ (۷)، ۹۸-۸۱.

مدیری، آتوسا (۱۳۸۵). جرم، خشونت و احساس امنیت در فضاهای عمومی شهری. *فصلنامه رفاه اجتماعی*، ۶ (۲۲)، ۲۸-۱۱. مظلومان، رضا (۱۳۵۶). *جرم‌شناسی*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران. میرفردی، اصغر، احمدی، سیروس و صادق‌نیا، آسیه (۱۳۹۰). میزان گرایش به نزاع جمعی در میان مردان ۱۵ تا ۶۵ سال شهرستان بویراحمد و عوامل مؤثر بر آن. *مطالعات امنیت اجتماعی*، ۲۵ (۸)، ۱۷۷-۱۴۷.

نظری، جواد و امینی‌فسخودی، عباس (۱۳۸۷). تبیین جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر گرایش به نزاع جمعی در مناطق روستایی استان ایلام. *فصلنامه علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز*، ۵۴ (۵)، ۲۱۰-۱۸۷.

پورافکاری، نصراله (۱۳۸۳). نزاع‌های جمعی محلی. مجموعه مقالات اولین همایش ملی طرح مسائل جامعه‌شناسی ایران، ۳۷۳-۳۸۶، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.

حسین‌زاده، علی‌حسین، نواح، عبدالرضا و عنبری، علی (۱۳۸۹). بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر میزان گرایش به نزاع دسته‌جمعی در شهر اهواز. *فصلنامه دانش انتظامی*، ۱۳ (۲)، ۱۹۱-۲۲۵.

خراطها، سعید و جاوید، نورمحمد (۱۳۸۴). نزاع و درگیری در شهر تهران. *فصلنامه مطالعات و امنیت اجتماعی معاونت اجتماعی ناجا*، ۲ (۶ و ۷)، ۵۵-۳۷.

ربانی، رسول، عباس‌زاده، محمد و نظری، جواد (۱۳۸۸). بررسی عوامل اجتماعی - فرهنگی مؤثر بر گرایش به نزاع جمعی (مطالعه موردی شهرستان‌های منتخب استان ایلام). *فصلنامه انتظام اجتماعی*، ۱ (۳)، ۱۲۶-۱۰۳.

رضایی کلوری، نوراله و بحرینی، مجید (۱۳۸۹). مطالعه رابطه عوامل فرهنگی اجتماعی با نزاع‌های دسته جمعی، قومی و قبیله‌ای در شهرستان لردگان. *فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی*، ۲۲ (۴)، ۱۶۲-۱۳۷.

رضوی‌الهاشم، بهراد، فروزنده، سبحان‌علی، اعتمادی، علی و رضوی، سیدبهروز (۱۳۹۴). بررسی عوامل اجتماعی بر وقوع جرم ایراد ضرب و جرح عمدی و راهکارهای پیشگیری از آن (مطالعه موردی استان اردبیل). *فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم*، ۳۵ (۱۰)، ۸۹-۱۰۴.

ساروخانی، باقر و نویدنیا، منیژه (۱۳۸۵). امنیت اجتماعی خانواده و محل سکونت در تهران. *فصلنامه رفاه اجتماعی*، ۶ (۲۲)، ۱۰۸-۸۷.

شریعتی، مسعود، مهاجری، محمدکاظم و ملکی، ابوالفضل (۱۳۹۱). بررسی عوامل مؤثر بر تمایلات بالقوه به نزاع‌های دسته‌جمعی در شهرستان خدابنده. *فصلنامه انتظام اجتماعی*، ۴ (۲)، ۱۱۸-۹۵.

صدیق‌سروستانی، رحمت‌الله (۱۳۸۸). *آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی)*. تهران: انتشارات سمت.

ظهور، علیرضا (۱۳۸۱). اپیدمیولوژی نزاع‌ها برای مراجعه به مراکز اورژانس در شهر جیرفت (کرمان). *فصلنامه اصول بهداشت روانی*، ۱۶ (۴)، ۱۱۶-۱۱۰.

عابدینی، صمد، ابراهیمی، جعفر و قلی‌زاده، پروین (۱۳۹۰). فراتحلیل تحقیقات انجام گرفته در زمینه درگیری‌های دسته‌جمعی. *فصلنامه مطالعات جامعه‌شناسی*، ۳ (۱۲)، ۲۲-۷.

- Baumeister, R. F., Smart, L. & Boden, J. M. (1996). Relation of threatened egotism to violence and aggression: the dark side of high self-esteem. *Psychol. Rev.* 103, 5–33.
- Goldstein, A. P., Glick, B. & Carthan, W. (1994). *The Prosocial Gang: Implementing Aggression Replacement Training*. Sage. Thousand Oaks, CA.
- Kaplan, S. (2007). *Summary of Psychiatry*, (Translated by Farzin Rezaei), Tehran Arjomand Publication.
- Le Franc, E., Samms-Vaughan, M., Hambleton, I., Fox, K. & Brown, D. (2008). Interpersonal violence in three Caribbean countries: Barbados, Jamaica, and Trinidad and Tobago. *Rev Panama Salud Publica.* 24, 409-421.
- Lonardo, R. A. (2008). Romantic Parents, Friend and Parents: Enmeshment in Networks characterized by deviance and Adolescent Delinquency. *A Thesis Submitted to the Graduate College of Bowling Green State University in partial fulfillment of the requirements for the degree of Master of Arts.* December 2007.
- Miller, W.B. (1968). *Lower-class culture as a generating milieu of gang delinquency*. In *Gang elinquency and Delinquent Subcultures*. New York. Harper and Row.
- Poot Wine, D. & Samonse, A. (2002). *Psychology and crime*. Translated by Davoud Najafi Tavana. Tehran: Mizan Publication.
- Shapiro, G. J. (2014). Identifying the Factors That Influence Conflict Management Behavior of Human Resource Professionals in the Workplace: An Analysis of the Relationship between Personality and Conflict Management Behavior. *Department of Humanities and Social Siences. Nova Southeastern University*.
- Wrangham, R. W. & Wilson, M. L. (2004). Collective Violence. *Annals New York Academy of Sciences.* 10(36),233–256.